

www.toufan.org
toufan@toufan.org

شکست مفتضحانه اسرائیل در لبنان

مذهبتش از محبوبیت بی همتا در لبنان و امروزه در سراسر جهان اعم از مسلمان و غیر مسلمان برخوردار باشد؟ صهیونیستها و امپریالیستها در سیاست تضعیف حزب الله با شکست مفتضحانه روبرو شده و برای نسل بعدی در لبنان و منطقه ارتش ذخیره ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی ایجاد کرده اند. طبیعتاً دولت لبنان از صهیونیستهای اسرائیل پس از عقب نشینی سرفکنده آنها خواسته است که مناطق اشغالی جنوب لبنان را که حتی قبل از تجاوز اخیر در اختیار داشته است یعنی "مزارع شعبا" را ترک کند. در توافقات اخیر جایی به آزادی دو سرباز اسیر اسرائیلی تعلق نگرفته است زیرا دولت صهیونیستی اسرائیل که بدروغ اسارت آن دو سرباز را در حین جنگ دلیل آغاز جنگ قلمداد کرده بود حال باید آنها را با آزادی سایر اسرای لبنانی که بطور غیر قانونی در اثر آدمربائی راهزنانه در بیغولهای اسرائیل هستند با سرفکنندگی تاخت زند. در این مبارزه علیرغم خرابکاری ستون پنجم صهیونیستها در سراسر جهان تا از نمایشات ضد صهیونیستی جلو گیرند و یا به جعل اخبار بپردازند اسرائیل از نظر سیاسی شکست مفتضحانه ای خورده است. این وظیفه ناپاک را در ایران "حزب کمونیست کارگری ایران" و کیهان لندنی سخنگوی غیر رسمی و فارسی زبان رامزفلد بعهد گرفته بودند. رئیس جمهور سوریه آقای اسد در ستایش از جنبش مقاومت لبنان به اسرائیل فاشیست هشدار داد تا از این شکست مفتضحانه بیاموزد و از سیاست تروریستی در منطقه دست بردارد و حق حیات سایر ملتها و دول منطقه را برسمیت بشناسد. کار شکست مفتضحانه صهیونیستها وقتی کامل شد که بر اساس گزارش "اورشلیم پست" فرمانده کل ستاد ارتش اسرائیل آقای "دان خالوت" سه روز قبل از تجاوز به لبنان و چند ساعت پس از درگیریهای مرزی که منجر به قتل چند سرباز متجاوز اسرائیلی و اسارت دو سرباز دیگر شده بود با آگاهی از تاریخ تجاوز فوراً اوراق بهادار خویش را در بازار بورس به بهای خوب به فروش رسانده است تا در اثر جنگ خسارت شخصی به وی وارد نیاید. همین یک قلم نشان می دهد که حداقل سه روز قبل از اسارت دو سرباز اسرائیلی توسط جنبش مقاومت مردم لبنان تدارک تجاوز به لبنان چیده شده بوده است. این شکست اخلاقی و تشننت سیاسی در اسرائیل با موج نوین مقاومت در منطقه همراه است.

ارتش "شکست ناپذیر" اسرائیل در مقابل مقاومت چریکی توده ای مردم لبنان به زانو در آمد و ناچار شد بدون آنکه به اهداف رسمی اعلام شده جنگی خود برسد خاک لبنان را ترک کند. دسیسه مشترک امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه که با رضایت ضمنی سایر امپریالیستها تدارک دیده شده بود با شکست کامل روبرو شد. حتی صحنه سازیهای فرودگاه لندن و جار و جنجالهای تبلیغاتی این "بشر دوستان" امپریالیست نتوانست از قدرت آتش و حمایت عمومی جهانی از مردم لبنان بکاهد. سرانجام قطعنامه سازمان ملل حاصل توافقنامه ای میان دولت قانونی و مستقل لبنان و دولت اسرائیل بود. دولت اسرائیل مجبور شد صحنه بگذارد که به خاک لبنان تجاوز کرده و طرف حقوقی مقابلش دولت رسمی لبنان است. سرشکستگی برای صهیونیستها بیش از این مقدور نبود. لیکن خلع سلاح حزب الله لبنان که یک حزب سیاسی در مجلس و دولت لبنان است امری صرفاً داخلی است که به دولت لبنان وابسته است. در توافقی که میان حزب مذکور و نخست وزیر مسیحی لبنان آقای فواد سنوره صورت گرفته است حزب الله لبنان حق دارد سلاحهای خویش را حفظ کند ولی از حمل آن در ملاء عام خودداری کند. روشن است که حزب الله لبنان ارتش منظم نیست. اعضاء و هوادارانش مردم عادی هستند که اساساً به شغل روزانه خویش مشغولند و در خانه های خویش سلاحهای سبک را برای حفظ استقلال کشورشان پنهان کرده اند. در شرایط تجاوز اسرائیل به لبنان اکثریت مسیحیان و سنی مذهبان لبنان نیز "حزب الله" بودند. ما در لبنان با یک دارودسته چند نفری بزعم جرج بوش، تونی بلر و ایهود اولمرت روبرو نیستیم. ما یک نیروی عظیم اجتماعی را در مقابل خود داریم که پیوند عمیقی با مردم لبنان دارد. رهبر حزب الله در سخنرانی اخیر خود پس از پیروزی بر ارتش اشغالگر صهیونیستها اعلام کرد که خسارت وارده به مردم را جبران می کند. خانه های آنها را می سازد، هزینه زندگی آنها را که شغل خویش را از دست داده اند تا یکسال تامین خواهد کرد و در این برنامه اولویت با کمک به هموطنان مسیحی لبنان می باشد. در حالی که صهیونیستها و امپریالیستها و "مسیحیان" و "یهودیان" غیر لبنانی خانه های مسیحیان لبنان را منفجر می کنند و آنها را به قتل می رسانند، نیروی حزب الله به یاری آنها می آید و در شرایط سختی زیر بار آنها را می گیرد. آیا شگفت انگیز نخواهد بود اگر چنین نیروی علیرغم ماهیت ارتجاعی ایدئولوژیک

اردوی بین المللی جوانان ضد فاشیست و ضد امپریالیست

فشرده ای از سخنرانی نماینده حزب کارایران (توفان) فرزانه آزاد در میزگرد



اردوی جوانان بین المللی ضد فاشیست و ضد امپریالیست که امسال با میزبانی سازمان جوانان کمونیست دانمارک برگزار گردید، با موفقیت تمام به پایان رسید. این اردوی باشکوه از جمعه ۲۸ ژولای آغاز شد و به مدت یک هفته ادامه یافت. در این گرد همایی بین المللی جوانان کمونیست مارکسیست لنینیست از هندوستان، برزیل، اسپانیا، فنلاند، اکودور، مکزیک، فرانسه، کلمبیا، آلمان، ترکیه، سوئد، دانمارک ... شرکت داشتند و علاوه بر حضور فعال و زنده جوانان کمونیست هئیت نمایندگانی از حزب کارایران (توفان)، کمیته برای عراقی آزاد در دانمارک و سوئد، انجمن دفاع از خلق فلسطین در دانمارک و ژورنالیست فلسطینی ناصر السهیلی و پاتریک مکمانوس نویسنده معروف دانمارکی ... شرکت داشته و در میزگردهای مختلف بویژه در مورد اوضاع خاورمیانه، تشدید تضادهای امپریالیستی و قلدرمنشی امپریالیست آمریکا و صهیونیست اسرائیل در منطقه و جهان به سخنرانی پرداختند.

براستی که فضای حاکم بر اردوی جوانان، فضای صمیمانه و انترناسیونالیستی بود. گویا همه از یک کشور و با یک زبان گفتگو میکردند. فضای اردو فضای میزبان و میهمان نبود. همه هم میزبان بودند و هم میهمان. همه افراد شرکت کننده داوطلبانه در پیشبرد فعالیتهای اردو شرکت داشتند و با روحیه کمونیستی صمیمانه همکاری مینمودند.

نمایش فیلم جنیش سنگ انتفاضه (فلسطین) و دهها سخنرانی، برنامه ورزشی و فرهنگی و از سویی تزئین اردو با پرچمهای سرخ و داس و چکش و شعارهای ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی و همیستگی و دفاع از پرولتاریا و خلقهای جهان ... به انسان نیرو میداد و احساس مینمود در کشوری که پرولتاریا قدرت را در دست دارد زندگی میکند. احساسی فارغ از تبعیض و نابرابری و ظلم و زور و ستم. احساس دخیل در سرنوشت خویش. احساس برابری و انترناسیونالیستی ...

حزب کارایران (توفان) نیز بدعوت از سازمان جوانان کمونیست دانمارک در میزگرد روز شنبه ۲۹ ژولای که پیرامون استراتژی امپریالیسم در خاورمیانه بود شرکت نمود و به سخنرانی پرداخت که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

در این میزگرد همچنین فعال مارکسیست لنینیست، سامی جواد دبیر کمیته برای عراقی آزاد در دانمارک، هئیت نمایندگی رفقای ترکیه و ترولس ریس لارسون از سازمان جوانان کمونیست دانمارک به سخنرانی پرداختند

در زیر چکیده ای از سخنرانی رفیق نماینده حزب کارایران (توفان) را که با حضور بیش از ۲۰۰ تن از جوانان کمونیست که از چند قاره جهان گرد آمده بودند از نظر خوانندگان توفان میگذرد:

رفقای گرامی!

ضمن گرمترین سلامهای انترناسیونالیستی به شما عزیزان که در این میزگرد حضور دارید، سختم را در مورد فجایع دهشتناکی که اکنون در لبنان و فلسطین جریان دارد آغاز میکنم و سپس به اوضاع ایران میپردازم.

بیش از دو هفته است که دولت صهیونیست و نژاد پرست اسرائیل و امپریالیست آمریکا حملات از پیش طرح ریزی شده ای را علیه مردم لبنان و فلسطین آغاز کرده اند. این جانوران آدمخوار تحت بهانه آزاد سازی چند گروگان اسرائیلی در غزه و جنوب لبنان بصورت وحشیانه و فاشیستی از هوا و زمین و دریا به بمباران اماکن غیر نظامی و نابودی تمام هستی مادی این دو ملت مشغولند و بیشرمانه این کشتار دسته جمعی و ویرانی زیر ساخت زندگی مردم را " مبارزه علیه تروریسم "

مینامند و این جنایت را بنام "دموکراسی و تمدن" توجیه میکنند. بمباران بیمارستانها، مدارس، جاده ها، پلها، فرودگاهها، نیروگاههای آب و برق، مغازه ها و حتا دفاتر سازمان ملل متحد و بمباران شماری از اعضای این سازمان... و اینها همه به بهانه مبارزه با "تروریستهای اسلامی" و بخاطر "امنیت برای یهودیان" صورت میگیرد و هر روز بر دامنه این کشتار و جنایات افزوده میگردد.

"دموکراسی بوش و اسرائیل در خاورمیانه بزرگ" جز این نیست که ما اکنون در لبنان و فلسطین و عراق و افغانستان شاهد آنیم. بمباران وحشیانه و قتل عام مردم بی دفاع لبنان و فلسطین یاد آور حملات هیتلر نازی علیه خلقهاست که اکنون اسرائیل صهیونیست و آمریکا به زعامت جرج واکر بوش بعنوان وارثان طبیعی فاشیستهای آلمانی علیه مردم فلسطین و لبنان عمل میکنند...

بنظر حزب ما، دور جدید حملات علیه فلسطین و لبنان بخشی از سیاست طرح خاورمیانه بزرگ امپریالیست آمریکاست و در چهارچوب رشد تضادهای امپریالیستی بر سر کنترل منابع انرژی بویژه نفت در این منطقه قابل بررسی است. خاورمیانه اکنون به لحاظ موقعیت ژئوپولیتیکی و منابع عظیم نفتی گره گاه تضادهای امپریالیستی است. منطقه ای که نزدیک به ۹۰ درصد نفت و انرژی چین و ژاپن و بیش از ۶۰ درصد نفت اروپا را تامین میکند. قابل توجه است که خاورمیانه در روز حدودا ۳۰ میلیون بشکه نفت به کشورهای غربی و ژاپن و کره جنوبی صادر میکند. کشور عربستان ۹ میلیون بشکه نفت در روز تولید میکند و دارای ذخیره نفتی حدودا ۲۶۰ میلیارد بشکه نفت است. ایران در دوران رژیم پهلوی ۶ میلیون بشکه نفت در روز تولید می کرد و هم اکنون ۴ میلیون بشکه نفت در روز تولید می کند و دارای ۱۶۰ میلیارد بشکه ذخیره نفتی است. امارات متحده عربی ۲،۴ میلیون بشکه در روز، کویت ۲،۲ میلیون در روز، عراق حدودا ۲ میلیون در روز، قطر نزدیک به یک میلیون بشکه نفت در روز تولید می کنند و هر بشکه نفت ۱۵۹ لیتر است...

بدین رو امپریالیست آمریکا بدنبال نظامی است که بتواند بطور کامل کنترل منطقه و منابع نفتی را به کف گیرد تا سرگردگی خود را بر سایر رقبای تازه نفس اعمال و آن را تثبیت کند. از این منظر اشغال نظامی افغانستان که مسیر عبور لوله گاز و نفت دریای خزر به کشورهای ازبکستان و هندوستان است و همچنین اشغال نظامی عراق و حمله احتمالی به ایران در چهار چوب استراتژی طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا قابل تبیین است و باید دقیقا این سیاست را مورد تحلیل و بررسی قرارداد و به افشای اهداف شوم و مخرب آن دست زد...

امروز امپریالیست آمریکا با تمام ساز و برگش همراه با همه متحدین ریز و درشتش در عراق و افغانستان با شکست مفتضحانه ای روبرو شده است. دارو دسته جنایتکار بوش می پنداشت بعد از سقوط صدام حسین مردم عراق با دسته های گل به استقبال ارتش استعماری و متجاوز خواهند آمد و به زودی با سر و سامان دادن عراق کار ایران را نیز یکسره خواهد کرد. لیکن نبرد قهرمانانه و درخشان خلق عراق و ضربات پی در پی بر پیکر این جنایتکاران تمام نقشه های شوم این ابرقدرت جهانی را که دارای بزرگترین زرادخانه اتمی است نقش بر آب کرد و هم اکنون پس از سه سال چون خر در گل فرورفته و نمی داند چه کند. خبرگزاریها هر روز از گسترش عملیات مسلحانه جدیدی علیه ارتش آمریکا و دولت دست نشانده اش در عراق خبر می دهند. ضربات پی در پی بر پیکر ارتش متجاوز آمریکا و متحدینش، بی ثباتی در سراسر عراق و نارضایتی عمومی مردم عراق، شکنجه های وحشیانه و زندانهای مخوفتر از دوران حکومت صدام حسین و... دولت بوش را بیش از پیش در انتظار جهانیان افشا و بی آبرو کرده و همچنین اوضاع نابسامان افغانستان و اشغال وحشیانه این کشور سبب شده تا آمریکا با طرح بمباران لبنان و فلسطین افکار عمومی جهان را به این سو بکشاند تا بلکه با پیروزی مقطعی در این منطقه فرجی حاصل گردد. آمریکا در صورت موفقیت این سیاست و خلع سلاح چریکهای حزب الله لبنان و نیروی مقاومت فلسطین و بطور مشخص سازمان حماس سوریه را محاصره و سرانجام با قدرت بیشتری به سراغ ایران خواهد آمد. چنین سیاستی اکنون بر همگان آشکار است. جرج بوش بارها به دخالت ایران و سوریه در لبنان و فلسطین اشاره کرده و بی تردید در پی این است که با خلع سلاح کامل متحدین ایران، پشت جبهه "تروریسم بین المللی" را در هم شکند تا بلاخره به "عمر تروریسم" در خاورمیانه پایان دهد. بنابراین حملات نظامی به کشور مستقل لبنان را باید از منظر بخشی از طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا و کنترل منابع نفتی و گلوگاههای استراتژیک دید. مسائلی نظیر آزاد سازی گروگانها همه بهانه و بی اساسند باید متحد و متشکل در مقابل این افسارگسیختگی امپریالیست آمریکا و غده سرطانی چون صهیونیست اسرائیل که بدنبال تجاوز به کشورها و اسرائیل بزرگ است ایستاد و از پیکار عادلانه و مشروع مردم فلسطین و لبنان که برای هستی و استقلال خویش میرزمند دفاع نمود. پیکار عادلانه چریکهای حزب الله لبنان و حماس علیه تجاوز بربرمنشانه آمریکا و اسرائیل که بدنبال قانون جنگل در جهان هستند، هر رنگی که اکنون داشته باشد پیکاری در دفاع از سرزمین خویش است و این امر مورد حمایت خلقهای لبنان و فلسطین و همه نیروهای صلحخواه و ضد امپریالیستی در سراسر جهان است.

رفقای گرامی !

اکنون با توجه به توضیحات کوتاهی که در مورد لبنان و خاورمیانه بیان داشتیم به اوضاع ایران، سیاست آمریکا در قبال مسئله هسته ای و تاکتیکهای بوش و شرکا در جهت نفوذ در ایران و کنترل انرژی، وضعیت کارگران و زحمتکشان و سیاست حزب کار ایران در قبال این اوضاع میگردیم.

امپریالیست آمریکا تغییر رژیم در ایران را بر کسی پنهان نکرده است. بوش از سالها پیش جمهوری اسلامی را در فهرست محور شرّ قرار داده است. آمریکا امیدوار بود که با اشغال سریع عراق و محاصره ایران و با توسل به زور (بمبارانهای هوشمند!!) جمهوری اسلامی را سرنگون سازد. لیکن همانطور که اشاره داشتیم این سیاست بخاطر نبرد قهرمانانه مردم عراق به شکست انجامید و تجاوز به ایران مقدور نشد و به تاخیر افتاد. اکنون بسیاری علاقمندند که بدانند آیا امروز احتمال تجاوز مستقیم نظامی به ایران وجود دارد و این کشمکشها اساسا به کجا خواهد انجامید؟

کارشناسان پنتاگون دریافته اند که ایران عراق نیست و تفاوتهای بسیاری بین این دو کشور چه به لحاظ جمعیت، مساحت، نیروی نظامی و نفوذ در منطقه... وجود دارد و بنابراین با توجه به اوضاع بحرانی عراق و افکار عمومی آمریکا و جهان و همینطور تضادهای بین اروپا، چین و روسیه... بر سر ایران در شرایط کنونی امکان تجاوز به ایران نیست و بنا بر این باید سیاست ظریفتر و همه جانبه تری را در قبال ایران بکار گرفت تا سرانجام با آماده ساختن افکار عمومی جهان و انزوای بین المللی جمهوری اسلامی به اهداف خود که همانا سلطه مستقیم سیاسی اقتصادی و کنترل نفت می باشد دست یابد. آمریکا طرح و نقشه دراز مدتی برای تغییر رژیم در ایران دارد و این سیاست در عرصه های مختلف بشدت ادامه دارد. یکی از این عرصه ها که بشدت در رسانه ها تبلیغ می گردد و آمریکا آن را تکخال برنده خود می پندارد خطر اتمی شدن ایران می باشد. آمریکا با فن آوری صلح آمیز هسته ای ایران بشدت مخالفت می کند و به دروغ آن را با تولید بمب اتمی درهم می آمیزد تا با ترساندن افکار عمومی جهان و هیولا نشان دادن جمهوری اسلامی همانند رژیم صدام حسین از یک سو و از سوی دیگر خنثی کردن اروپا و ژاپن و بویژه چین و روسیه ایران را خلع سلاح کند. باید یاد آوری نمایم که همین آمریکا که امروز اینهمه از انرژی هسته ای ایران و غنی کردن ۳ درصد اورانیوم وحشت دارد خود در سال ۱۹۷۴ نخستین نیروگاه اتمی را به رژیم پهلوی فروخت و در مطبوعات آمریکا نیز سخنی جز تعریف و تمجید از این سیاست و پروژه نیروگاه اتمی شاه نرفت. روزنامه های آمریکا نیروگاههای اتمی در ایران را که بمنظور تولید انرژی غیر فسیلی تاسیس شد ستوده و آن را سیاست خردمندانه ای توصیف نمودند. حال چه شده که آمریکا از ادامه از سر گیری فن آوری هسته ای ایران که به سالهای ۸۱ و ۸۲ میلادی بر می گردد اینهمه نگران است؟ آمریکا می گوید چرا ایران با توجه به ثروت سرشار نفت و گاز بدنبال انرژی اتمی است؟ سؤال ما از بوش و شرکاء این است که چرا آمریکا علیرغم داشتن اینهمه منابع سرشار نفتی و گازی خود دارای ۱۰۳ نیروگاه اتمی است و به سیاست ذخیره سازی نفت روی آورده است؟ آمریکا می گوید چون رژیم ایران رژیم دموکراتیکی نیست حق داشتن این فن آوری را ندارد زیرا ممکن است در نهایت بمب اتم تولید کند و دنیا را به آتش بکشاند. می بینید امپریالیست آمریکا به چه تناقضاتی دچار شده است. حق ایران و کشورها را در استفاده از انرژی اتمی که یک حق برشمرده بین المللی است انکار می کند. آمریکا بر ژانسی بین المللی اتمی فشار آورده تا با بازرسیهای پی در پی نیروگاههای اتمی ایران به یک موضوع فنی شکل سیاسی دهد و اکنون می کوشد تا با ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد و با اشاره به بند ۷ شورای امنیت به محاصره اقتصادی و سرانجام دست به تجاوز نظامی زند. آمریکا زور می گوید، دروغ می گوید و بدنبال بهانه می چرخد تا سلطه خود را در ایران احیا کند. تا کنون بازرسان ژانسی بین المللی اتمی بیش از ۲۰۰۰ ساعت از نیروگاههای اتمی ایران دیدن کرده و نشانی از انحراف و یا نقض پیمان بین المللی مشاهده نموده اند. آمریکا خود بزرگترین نقض کننده پیمانهای بین المللی، داری بمب اتمی است و حتا آن را در هیروشیما و ناکازاکی نیز بکار گرفت و منجر به قتل بیش از ۳۰۰۰۰۰ تن گردید. اسرائیل نه تنها هیچ پیمان بین المللی را برسمیت نمی شناسد بلکه دارای بمب اتمی است و مضحک است که بوش به بمب اتمی خود و اسرائیل خصلت "دموکراتیک" می دهد و فن آوری هسته ای صلح آمیز را خطری برای صلح جهانی تعریف می کند؟؟!!

سیاست حزب ما در قبال بمب اتم سیاست خلع سلاح عمومی است و این امر شامل تمامی کشورهای است که دارای بمب اتم هستند و در راس همه این کشورها آمریکا قرار دارد. موضوع بمب اتم در شرایط کنونی در ایران محلی از اعراب ندارد بحث بر سر فن آوری هسته ای است و آمریکا عمدا این دومقوله را مخلوط کرده و به سر درگمی افکار عمومی جهان دامن میزند تا در پس این تبلیغات دروغین به اهداف شوم خود دست یابد. مسئله هسته ای فقط بهانه است. آمریکا بدنبال اهداف دیگری در ایران است.

عرصه دیگر از اقدامات تخریبی آمریکا دامن زدن به اختلافات قومی و کمک مالی به سازمانها و احزاب ناسیونال شونیست و تجزیه طلب آذری، کردی و عربی... است. آمریکا می کوشد با بهره برداری از نارضایتی که در بین خلقهای ایران و ستم ملی وجود دارد زمینه بی ثباتی را فراهم آورد و سرانجام به جنوب ایران که مهمترین بخش نفتی ایران است دست یابد...

تمام سازمانهای ناسیونال شونیست و تجزیه طلب ایران از اشغال عراق و افغانستان دفاع کرده و از اشغال احتمالی ایران نیز استقبال می کنند. دو حزب کردی ناسیونالیستی ایران، حزب دموکرات کردستان و سازمان زحمتکشان

کردستان/ کومله از جمله سازمانهایی هستند که از تجاوز به عراق حمایت کرده و از سیاست "دموکراسی خواهی" آمریکا در منطقه و "خودمختاری" برای اقلیت های ملی دفاع می کنند. الگوی کردستان عراق الهام بخش این دو حزب است... آمریکا اخیرا بودجه ای به مبلغ ۸۵ میلیون دلار برای تقویت اوپوزیسیون ارتجاعی ایران اختصاص داده تا با فشار آوردن بر رژیم جمهوری اسلامی و جنگ روانی علیه ایران زمینه را برای تشکیل "کنگره ملی" همانند کنگره ملی احمد چلبی ها آماده کند. سرمایه گذاری در زمینه تبلیغات ماهواره ای بسوی ایران و تلاش برای جذب ائتلاف میانی جامعه و وعده دموکراسی دادن به مردم از جمله سیاستهای امپریالیست آمریکا برای نفوذ در ایران است. بوش دخالت در امور داخلی ایران و سایر ممالک را حق طبیعی خود می داند و اگر چنین سیاستی از جانب دیگر دولتها صورت گیرد اقدامی تروریستی و خلاف موازین بین المللی تعریف می گردد.

اوپوزیسیون ارتجاعی ایران که به کمکهای مالی آمریکا چشم دوخته، از سیاست نظم نوین امپراتوری انحصارات مالی آمریکا دفاع کرده، از اشغال افغانستان و عراق پشتیبانی نموده و مخالف خروج بی قید و شرط ارتش اشغالگر امپریالیستی از عراق و منطقه هستند به چند بخش تقسیم می شوند و هر یک به زبان و ادبیات خاص خود سخن می گویند. طیف گوناگون سلطنت طلبان به رغم تطورات گروهی و رنگ و شعارها اما جملگی خواهان احیای مناسبات دوران رژیم پهلوی و سلطه بلا منازع سیاسی اقتصادی و نظامی آمریکا در ایران هستند. اینها به زبان سلطنتی و مشروطه خواهی سخن می گویند.

سازمان مجاهدین که زمانی در گذشته نقش مترقی علیه ارتجاع و امپریالیسم بازی می کرد بخاطر ماهیت طبقاتی خویش و شکستهای پی در پی امروز از سیاست تجاوز به ایران و نظم نوین آمریکا دفاع می کند و راه کسب قدرت سیاسی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تنها با همکاری و پذیرش سیاستهای هارترین جناح امپریالیستی آمریکا می بیند. این سازمان به زبان "خلق" و اسلام سخن می گوید.

جریان دیگری است بنام "حزب کمونیست کارگری" که به زبان مارکسیسم سخن می گوید اما حزبی است که به لحاظ ماهیت سیاسی ملغمه ای از لیبرالیسم، اکونومیسم، آتاریسم و تروتسکیسم است. این حزب گام به گام دفاع از امپریالیسم و صهیونیسم اسرائیل را تئوریزه و به خورد هوادارانش داده، دفاع از استعمار را فضیلتی ساخته، از اشغال افغانستان دفاع نموده، مخالف شعار خروج بی قید و شرط ارتش اشغالگر آمریکا از عراق است، تهاجم امپریالیسم به عراق، لبنان و افغانستان و خلقهای منطقه را در قالب "جنگ تروریستها" تئوریزه می کند. اینان از استعمار جامه ترقی و مدرنیسم ساخته و تحت عنوان مبارزه با "اسلام سیاسی" بعنوان ستون پنجم امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه عمل می کنند. این حزب سیاست رسمی دریافت کمک مالی از اسرائیل را طبق قطعنامه ای با شماره ۱۰۲۸ فرموله نمود. همانطور که بیان شد این گروه با نام مارکسیسم سخن می گوید.

عرصه دیگر سیاست نفوذ در ایران سیاست دفاع از سازمانهای غیر دولتی در قالب دفاع از حقوق دموکراتیک و دموکراسی و حقوق بشر است که آمریکا می کوشد با انجام انقلاب مخملی و یا نارنجی... و با چهره سازی افراد کم و بیش شناخته شده قدرت را در ایران به کف گیرد... این سیاست در بستر نارضایتی عمیقی که در جامعه وجود دارد طرح ریزی و نقشه مند اجرا می گردد.

جناحها و شخصیتهایی از رژیم که در اثر تضادهای داخلی به حاشیه رانده شده اند و بنام اصلاحات و دموکراسی سخن می گویند مشتاق از سرگیری مناسبات با آمریکا هستند و از سیاست انقلابات آرام و مخملی امپریالیسم آمریکا حمایت می کنند... آمریکا این جناح را نیز بعنوان آلترناتیو احتمالی آینده مورد نظر دارد.

اینها همه برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت آمریکا در مورد ایران است تا سرانجام رژیم را با توسل به قهر و خشونت و بمباران سرنگون کند و یا از طریق فشار و تهدید رژیم را وادار به تسلیم و همانند رژیم لیبی سر برآه گرداند. در این صورت آمریکا با شکل اسلامی و ماهیت بهیمی و قرون وسطایی رژیم اسلامی هیچ مخالفتی ندارد. مهم اجرای سیاست نظم نوین و تحقق پروژه خاورمیانه بزرگ است و نه ماهیت سرکوبگرانه و ضد بشری رژیم.

رفقای عزیز!

مردم ایران، پرولتاریا و زحمتکشان، دانشجویان، جوانان، زنان و همه خلقهای ایران تحت شرایط بس بغرنجی بسر می برند. سرکوب و خفقان، زندان، شکنجه و مرگ سیاست رسمی جمهوری اسلامی است. رژیم اسلامی، ایران را به زندان بزرگی تبدیل کرده و جان مردم را به لب رسانده است. تنفر و انزجار مردم نسبت به جمهوری اسلامی بی حد و حصر است. رژیم اسلامی که یک رژیم سرمایه داری است پاسخ نان کارگران را با سرنیزه و زندان می دهد. در اثر سیاستهای خصوصی سازی رژیم که با الهام از سیاست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول انجام می گیرد، بخش اعظم کارخانجات خصوصی شده و این امر موجب بیکاری گسترده کارگران گردیده است. وضعیت اقتصادی و معیشتی کارگران بشدت وخیم است و صدها تظاهرات کارگری در سالهای اخیر بازتاب این سیاست ویران کننده در ایران است. در تابستان گذشته هزاران کارگر اتوبوسرانی در تهران بخاطر اضافه دستمزد و حقوق پرداخت نشده دست به تظاهرات

زدند و رژیم بیرحمانه به سرکوب این کارگران شریف پرداخت. رهبر اتحادیه اتوبوسرانی منصور اسانلو و شماری دیگر از کارگران هنوز در زندان و تحت شکنجه های وحشیانه بسر می برند. زنان ایران در تهران در ماه گذشته علیه آپارتاید جنسی و نابرابریهای اجتماعی دست به اعتراض زدند لیکن مزدوران رژیم با شدت تمام با آنها برخورد کرده و بسیاری بازداشت و به زندان افتادند. زنان ایران طبق قوانین شرع اسلامی، شهروندان درجه دو محسوب می شوند و از هیچ حقوقی برخوردار نیستند. دانشجویان و جوانان و سایر اقشار تحت ستم مردم بشدت سرکوب می شوند و رژیم کوچکترین مخالفتی را بر نمی تابد و هم اکنون با سو استفاده از فشارها و تهدید های خارجی هرگونه صدای حق طلبانه را سرکوب می کند. رژیم از مردم ایران بیشتر می ترسد تا از امپریالیسم آمریکا. حزب ما از مبارزات به حق کارگران، همه زحمتکشان، روشنفکران و دانشجویان و همه خلقهای تحت ستم ایران دفاع و سیاستهای ارتجاعی و فاشیستی رژیم را که در خدمت امپریالیسم است محکوم می کند.

آمریکا با شناخت از این نارضایتی عمومی است که به تقویت آلترناتیوهای ارتجاعی می پردازد و با وعده "دموکراسی و حقوق بشر" سعی در به انحراف بردن مبارزات آزادیخواهانه و دموکراتیک مردم دارد. رهنمود حزب ما به توده مردم پیوند مطالبات دموکراتیک و طبقاتی خود با مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل است تا از این طریق هم رژیم جمهوری اسلامی را که هر حرکت آزادیخواهانه ای را با برچسب اسرائیلی و آمریکایی سرکوب می کند خلع سلاح نمایند و هم دست رد به سینه نیروهای امپریالیستی زنند و به افشای نوکران استعمار پردازند. رژیم با قتل عام کمونیستها و نیروهای مبارز و انقلابی بهترین خدمت را به امپریالیسم کرده و اکنون چون جزیره ای منزوی و بدون پایگاه مردمی برای بقای خویش با امپریالیسم آمریکا چانه می زند و بدنبال دریافت تضمین موجودیت قدرت سیاسی خویش است.

آنچه که در نهایت می تواند مردم را از شرّ این وضعیت ناهنجار خلاص سازد رهبری طبقه کارگر و بسیج توده ای میلیونی علیه ارتجاع و امپریالیسم و استقرار سوسیالیسم در ایران است.

به نظر حزب ما تجاوز به ایران و تحقق سیاست امپریالیسم آمریکا محتوم نیست می توان آن را به شکست کشانید. یکی از عرصه های مهم مبارزه با حمله احتمالی آمریکا به ایران بسیج وسیعترین توده های صلحخواه و ضد امپریالیست و مترقی در کشورهای اروپایی و آمریکاست. با طرح شعارهای صحیح و روشن کردن اهداف شوم امپریالیست آمریکا و همبستگی با مردم ایران می توان جنبش قوی توده ای را سازماندهی کرد و در مقابل این ابرقدرت امپریالیستی که می خواهد به خاطر تحقق منافع انحصارات مالی کشور ایران را همانند عراق ویران کند، ایستاد. اصلی ترین شعار اینگونه تظاهراتی ضد امپریالیستی و صلحخواهانه باید بسوی نیروی متجاوز و اشغالگر نشانه رود. باید مردم را علیه تجاوز نظامی به ایران بسیج نمود و موضوع سرنگونی جمهوری اسلامی را وظیفه مردم ایران دانست و نه قدرت خارجی و امپریالیستی. حمل باندرول سرنگونی جمهوری اسلامی در چنین تظاهراتی که به منظور مخالفت با بمباران و اشغال ایران صورت می گیرد امری انحرافی و خرابکارانه است و موجب تضعیف تظاهرات و آشفتنی مردم می گردد. رفقای حزبی ما و سایر نیروهای ضد امپریالیستی ایرانی طبیعتاً باید با کار توضیحی و پخش اعلامیه ماهیت سرکوبگرانه رژیم را افشا سازند اما تمام نیرو را باید به شعار اصلی تظاهرات که همانا متوقف کردن تجاوز نظامی به ایران است معطوف داشت. تنها در پرتو مبارزه ای اصولی است که می توان تظاهرات ضد جنگ و اشغال را به سر منزل مقصود رسانید. اینهاست مختصری از سیاست حزب ما در مورد ایران و خاورمیانه. با تشکر از شما.



تظاهرات جوانان ضد فاشیست و ضد امپریالیست در کینهاگ

مرگ بر امپریالیسم ، صهیونیسم و فاشیسم

مسلمان کشی و قوم کشی به بهانه مبارزه علیه “تروریسم” و “اسلام سیاسی”

“به من چه”

“همین که دل، دل خون بار ابره
همین که شب، شب قتل ستاره س
همین که بغض تو، بغض همیشه
همین که ترس من، ترس دوباره س

همین که تو پری از طعم وحشت
همین که خونه خالی از ترانه س
همین که کوچه در کوچه ی این شهر
دچار پچ پچه های شبانه س

به من چه سرخی میخک تو مهتاب؟
به من چه رقص نیلوفر روی آب؟
قفس بارونه کابوس کیوتر
به من چه کوچه باغ شعر سهراب؟

ستیز تگرگ و گلبرگه،
مصاف آینه و الماسه،
پیکار کبریته و خرمن
نبرد ارکیده و داسه!

کنار کوچه پچه های پرسه
تو بهت رعشه و رگ، گرد و سوزن
کنار مادرک های شناور
روی سمفونی نفرین و شیون،
“...”

ایرج جنتی عطانی

کمونیستها هوادار نسل کشی و سربریدن نیستند. کمونیستها افکارشان در قبال ویروس فاشیسم و نازیسم و صهیونیسم مصنوعیت دارد. کمونیستها هرگز بر این نظر نیستند که برای نابودی اندیشه های ارتجاعی که ریشه های تاریخی و سنتی در میان نسل های بشری دارد روش درمان قتل‌های انبوه زنجیره ای بعنوان اقدامی درمانی موثر و کارساز می باشد. این تفکر مذهبیون است که افکار را نه اکتسابی و انسان را نه زاده محیط خویش بلکه فردی مسلوب الاراده می دانند که باید در یک چارچوب از قبل تعیین شده الهی فکر کند و به آن عمل نماید. کمونیستها بجای بریدن سرها، به تنویر افکار اعتقاد دارند و این را وظیفه تاریخی کمونیستها می دانند تا با کار روشنگرانه و با حوصله و سازمانیافته و با اسلحه مبارزه طبقاتی در افکار انسانها تغییرات اساسی ایجاد کنند. جهان را فقط با دست انسانها می توان تغییر داد. مضمون مبارزه طبقاتی کمونیستها نیز از این ایده واقعبانه الهام می گیرد. ضد کمونیستها و دشمنان بشریت مستمرا در پی آنند که با تزریق افکار مسموم، اختیار انسانها را در ید خود بگیرند، بر آنها مسلط شوند و با دستگاه فکری نظام یافته خویش که محصول ماشین تبلیغاتی رسانه های گروهی و شرایط مادی اجتماعی آنهاست ارتشی فریب خورده و آماده خدمت به طبقات ارتجاعی ایجاد نمایند و آنها را علیه بشریت مترقی و در راستان کمونیستها بسیج نمایند. این مبارزه میان نو و کهنه از بدو پیدایش جوامع بشری وجود داشته است.

کمونیستها هرگز هوادار قتل عام مسلمین به این بهانه که اسلام دین ارتجاعی است نیستند، مگر سایر ادیان مترقی اند که تنها اسلام ارتجاعی باشد؟ مگر سایر ادیان سیاسی نیستند که فقط دین اسلام به سیاسی بودن “متهم” می شود؟ مگر می شود صدها میلیون انسانی را که خود قربانیان نظامهای عقب مانده و ارتجاعی جهانی هستند به خوشحیالی رهائی بشریت قتل عام کرد؟ مگر می شود با قتل عام معتقدین به مذهب بهائی که به همان اندازه سایر ادیان ارتجاعی و مخرب است و با سیاست کسمولپلیتسیم و جهان وطنی خویش نظیر نظریات ارتجاعی منصور حکمت جاده صاف کن تجاوز امپریالیستی در جهان است موافق بود؟ مخالفین مبارزه روشنگرانه ضد مذهبی امپریالیستها، صهیونیستها و طبقات ارتجاعی مسلط جوامع بشری هستند این است که برای مبارزه با عقب ماندگیهای مذهبی و عواملی که این قید و بندهای اسارت فکری را تقویت می کند باید سرسختانه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و سرمایه داری و نظامهای تولیدی پیش سرمایه داری مبارزه نمود. مبارزه بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم گام روشنی در از بین بردن خرافه دین اعم از اسلامیت، یهودیت و مسیحیت است. هم اکنون جنایات جرج بوشهای “متمدن” و “مدرن” با پرچم جنگ صلیبی و بسیج مسیحیان مرتجع آمریکائی صورت می گیرد که ملغمه ای از مسیحیت اروپائی و یهودیت اسرائیلی است و مسیحیت را

به مبنای خویش که یهودیت باشد سوق می دهد. بتدریج اسرائیل به سرزمین مسیح نیز بدل شده است که باید از چنگ مسلمانان بدر آورد. اسلحه مبارزه مذهبی اسلحه امپریالیستی و صهیونیستی نیز هست که هر جنبش قدرتمند ضد امپریالیستی را که برای حقوق و استقلالش می رزمند بنام "تروریسم" محکوم می کند و برای امحاء آن یورش می برد. امپریالیستها با همین روش در ویتنام و الجزایر جنگیدند. هم جنبش آزادیبخش ویتنام برای آنها جنبش "تروریستی" بود و هم "ویت کونگها" "تروریست" محسوب می شدند و هم مبارزان الجزایر "مسلمانان تروریست" بودند. باید به پاره ای بی خبران ایرانی گوشزد کرد تا از کوه خود پسندی، پرمدعائی و کوته نظری به پائین آمده به مطالعه تاریخ مبارزه مردم جهان و جنایات امپریالیستها بپردازند تا چشمان بینائی پیدا نمایند. خزعبلات منصور حکمت که مجموعه دروغهائی نظیر آنچه جرج بوش و تونی بلر بهم می بافند می باشد نباید کتاب مقدس این مذهبیهون مدرن باشد. مذهبیهونی که بیچاره ها با مغز خود نمی اندیشند.

کمونیستها همواره در مبارزه اجتماعی میان اعتقادات ایدئولوژیک و اعتقادات سیاسی تفاوت قایل بوده و هستند. از نظر کمونیستها تنها جهان بینی ماتریالیسم دیالکتیک یک جهان بینی علمی و تنها ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم راهگشای جهان بدون برده داری و تحقیر انسانهاست. سایر جهان بینی ها و ایدئولوژیها در شرایط تاریخی امروز جهان در ماهیت خویش ارتجاعی و ضد بشری است. ولی وای به روزگار کمونیستی که بخواد با درک غلط از این اصول در عرصه مبارزه اجتماعی ظاهر شود و کار مبارزه اجتماعی را با استناد به "ایدئولوژیهای ارتجاعی" یک تنه به پیش برد. در عرصه مبارزه اجتماعی آنچه تعیین کننده است باورهای ایدئولوژیک نیست، اعتقادات سیاسی و تحلیل مشخص از شرایط مشخص است. در این جا اعتقادات سیاسی است که حرف نخست را می زند.

یک انسان نماز خوان و روزه گیر و مخالف رژیم در ایران که خمس و زکوة می دهد ولی حاضر است علیه سلطنت طلبان رنگارنگ و نوه رضا خان، جرج بوش، آریل شارون و ایهود اولمرت مبارزه نماید، در مقابل تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم به ایران و سایر نقاط جهان ایستادگی کند صدها بار انقلابی تر، شرافتمندتر از یک سلطنت طلب و "کمونیستی" است که هوادار تجاوز آمریکا به ایران بوده و به قتل عام مردم فلسطین و لبنان، به جرم "تروریست" و یا "مسلمان متعصب" بیرحمانه و خونسردانه و با بی وجدانی کامل و ضد انسانی صحنه گذارده ولی در عوض عاشق "مدرنیته" است و شب تا صبح را با ویسکیهای ضد مذهبی بدون پیشداوریهای نژادی در آغوش این آن بسر می آورد و با "اسلام سیاسی" مشغول "مبارزه" است. عنصر بد بو و بد خاصیتی که با سیاست "به من چه ولش کن" و "مبارزه دو قطب ارتجاعی" مهر کثیفش را به زیر هر سند اعدام دسته جمعی توسط صهیونیستها و امپریالیستها می گذارد. چنین "کمونیست" بی هویتی که شعارش "به من چه ولش کن است" دست دراز شده صهیونیسم اسرائیل در منطقه است. جریان آلوده ایست که نقش ستون پنجم را بازی می کند و برای این کار از روز نخست در لندن تعلیم دیده است.

"حزب کمونیست کارگری ایران" از این قماش "کمونیستهای" اسرائیلی است. هر روز که مبارزه انقلابی ملت‌های جهان بر ضد زور و قلدری شدت می گیرد این دارودسته بیشتر ماهیت زرد و ضد انقلابی خویش را نشان می دهند. آنها خواهان کشتار مردم مسلمان فلسطین و لبنان هستند و نه فقط از این جهت که آنها مسلمانند. خیر! از آن جهت که آنها بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم مبارزه می کنند و خواستهای برحقشان جام زهری است که به کام امپریالیستها ریخته می شود. اگر باور نمی کنید به سرنوشت مردم عراق نگاه کنید. در عراق رهبری جنبش مردم عراق در دست نیروهای سکولار است. ولی این دار و دسته اسرائیلی حاضر نیستند خواهان خروج بی قید و شرط و فوری نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی از عراق باشند. اینکه امروز مبارزه آنها بر ضد مسلمانان جهان متمرکز است و مثلا در دانمارک همراه با فاشیستها به عنوان "شهود مسلمان" کاریکاتور پیامبر مسلمانان را بنحو توهین آمیزی تکثیر کرده و توزیع می نمودند به آن خاطر است که آتش مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در ممالک اسلامی از سایر نقاط جهان فروزانتر است. آنها در آمریکای لاتین حاضر نیستند از مبارزه رهبران ونزوئلا، بولیوی و مکزیک حمایت کنند و این بار نه از آن جهت که آنها مسلمان تروریست هستند بلکه از آن جهت که متحد "اسلام سیاسی" بوده و دول "بورژوائی" هستند. این دارو دسته خود را هوادار حمایت از "کمونیستهای ناب" جا می زنند. هر جا شما با نقش این عده روبرو می شوید خرابکارانه است و خوشبختانه مردم در عراق دستگاه رادیو و تلویزیون اسرائیلی آنها را جمع کردند و هر کدام از این خائنین را به کف آوردند به نزد آریل شارون می فرستند.

در جنبش کمونیستی جهانی نقش این دارو دسته به همت مبارزه رفقای ما رو شده است. کمونیستهای جهان به نقش خرابکارانه آنها واردند و فورا آنها را از نمایشات اعتراضی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی طرد می کنند و مانع می شوند که این خرابکاران با شعارهای اسرائیلی و تضعیف جنبش ضد جنگ و تجاوز به اخلاص بپردازند. ما ایقان قطعی داریم که با اوج مبارزه خلقها بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم نقش خرابکارانه این عمده و اگره ارتجاع در ایران و خارج از ایران بر ملا خواهد شد.

حیرت انگیز است که کسی به کشتار میلیونی مردمی که امروزه به پاس تجاوز اسرائیل همه آنها "حزب الله" شده اند و به آن افتخار می کنند صحنه بگذارد و نعره زند به من چه که در لبنان سر میبرند و بر روی مردم بمب می ریزند، به من چه که بر روی آنها آب را می بندند، به من چه که خانه هایشان را خراب می کنند، به من چه فرزندانیشان را با داس مرگ درو می کنند، کور شوند مسلمان نشوند و از "حزب الله" که دقیقا به علت خیانت همین بی خیالها قدرت گرفته و همه چیز را برای مردم تهیه کرده و رهبری مبارزه ملی آنها را بعهد گرفته است حمایت نکنند. این موضعگیری سیاسی

به آدمخواری، به فاشیسم و جنایت پیشه‌گی بسیار شبیه است. چنین دیوهائی حق سیاسی نامیدن خویش را ندارند. ننگ تاریخند. این آدمکشان حرفه‌ای همانکسانی هستند که به قدرت نرسیده کاردهای قصابی خویش را تیز می‌کنند. فرمابیه‌ترین افراد نیز رضایت نمی‌دهند که امپریالیستها و صهیونیستها مردم لبنان را به جرم مسلمانی قتل عام کنند. آن کس که صدای اعتراض بلند نمی‌شود و این جنایت ضد بشری را «جنگ تروریستها» جامی زند جایش در باغ وحش است.

گزارش کوتاهی از تظاهرات ضد امپریالیستی و ضد اشغال در فرانسه

روز بین‌المللی کارزار

با عنوان فوق، «مجمع ملی برای صلحی عادلانه و پایدار میان فلسطینیها و اسرائیلیها» فراخوانی داد و از همه احزاب و سازمانها سیاسی، سندیکاهای کارگری، از انجمنها و گروههای مستقر در فرانسه، از اتحادیه‌های حرفه‌ای در محل دعوت کرد تا حول محورهای مشخص زیر در تظاهرات روز شنبه ۱۲ / اوت / ۲۰۰۶ میلادی در پاریس شرکت نمایند: الف - قطع فوری و بدون قید و شرط بمباران لبنان و نوار غزه. ب - اعتراض به تجاوز مشترک آمریکا و اسرائیل به لبنان.

باین فراخوان - از لبنانی و فلسطینی گرفته تا مراکشی و تونس و ترک و ایرانی و فرانسوی و آمریکایی - در مجموع ۳۷ حزب و سازمان سیاسی، سندیکای کارگری، انجمن و گروه و اتحادیه‌های حرفه‌ای در پاریس (از جمله واحد فرانسه حزب کار ایران - توفان باتفاق شماری از احزاب برادر) پاسخ مساعد داده و در تظاهرات شنبه دوازدهم ماه اوت ۲۰۰۶ میلادی حضور یافتند.

در این تظاهرات - با وجود تعطیلات تابستانی در فرانسه و هوای بارانی پاریس - قریب به ۵۰۰۰ نفر شرکت نموده و از مبداء تا مقصد قطع فوری بمباران لبنان و نوار غزه را فریاد زدند... تجاوز مشترک آمریکا و اسرائیل به لبنان را محکوم کردند... بر علیه اشغالگری و جنگ و استعمار شعار دادند... بر علیه اشغال عراق توسط امپریالیسم آمریکا و شرکا فریاد زدند... یک صدا از مقاومت جانانه خلقهای لبنان و فلسطین و عراق در قبال امپریالیسم جنایتکار آمریکا و اشغالگران صهیونیست حمایت کرده و با خلقهای لبنان و فلسطین و عراق ابراز همبستگی نمودند... بوش و بلر و اولمر را جانی و آدمکش خواندند...

بسیاری از ناظران در دو طرف مسیر راهپیمایی - بیشتر از موارد قبلی - تا مقصد با ما همراه بودند... نسبت به این کارزار بین‌المللی در قبال اشغالگریهای نوبتی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم در خاور میانه حساسیت نشان میدادند... باشد تا با اعتراضات گسترده‌تر و توده‌ای‌تر مردم سراسر جهان چهره خونخوار و جنایتکار امپریالیست آمریکا و صهیونیست اسرائیل بیش از پیش افشا گردد.

حزب کار ایران (توفان) واحد فرانسه

یکشنبه ۱۳ اوت ۲۰۰۶

زنده باد همبستگی بین‌المللی با مردم لبنان

بمباران بربرمنشانه به کشور مستقل لبنان ادامه دارد

هممیهان عزیز
بشردوستان
انسانهای دموکرات
رفقای کمونیست!

صهیونیستهای خونخوار اسرائیل که یک رژیم ضد دموکراتیک، بیرحم فاشیستی در منطقه بوده و یک غده چرکین سرطانی هستند، در پی حمله به نوار غزه و بمباران ضد بشری شرایط هستی مادی مردم فلسطین به بهانه پوچ ربودن سرباز اسرائیلی با نقض همه قوانین و تعهدات جهانی به کشور مستقل لبنان تجاوز آشکار کرده اند. این اقدام ضد بشری در مغایرت کامل با حقوق ملل است. صهیونیستهای اسرائیل که تا کنون همه تعهدات بین المللی را زیر پا گذارده اند با طلبکاری مدعی می شوند که زمانی دست از تجاوز وحشیانه خویش بر می دارند که مردم لبنان قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت سازمان ملل را به رضایت آنها بپذیرند و حزب الله لبنان را که اکثریت مردم لبنان هستند خلع سلاح کنند. آنها می خواهند دموکراسی اسرائیلی و تمدن امپریالیستی را جایگزین «اسلام سیاسی» کنند.

صهیونیستهای جنایتکار، نژاد پرست، ضد دموکرات و فاشیست این تجاوز به لبنان را نیز در زیر پوشش مبارزه با «حزب الله» پنهان می کنند. آنها در تجاوز وحشیانه خویش به لبنان شهر زیبای بیروت را که مملو از ترکیب جمعیت لبنان و نه تنها مسلمانان شیعه است به شدت بمباران کرده و تاسیسات زیر بنایی لبنان را که مناطق و اهداف غیر نظامی هستند بر خلاف معاهده ژنو به گلوله و بمب بسته اند و صدها نفر مردم غیر نظامی را تا کنون به قتل رسانده اند.

صهیونیستهای فاشیست اسرائیل که خود را «دموکرات» جا می زنند و نوکران و جاسوس های ایشان در عرصه جهان و ایران آنها را «دموکرات» می خوانند از هیچ اقدام ضد بشری برای قتل عام مردم منطقه کوتاهی نکرده و نمی کنند. ایدئولوژی صهیونیسم یک غده سرطانی چرکین نژادی است که برای رشد خود مستمرا جا باز می کند و به خیال خود قصد دارد بر اجساد صدها هزار مردم منطقه امپراتوری آل داود را بنا کند. تنها مبارزه ای که برای همیشه نازیسم و صهیونیسم را بدیار عدم بفرستد و زندگی مشترک انسانی یهودیان همراه با مسلمین و مسیحیان، اعراب و غیر عربها را در کنار هم مقدور کند، می تواند منطقه را از بحران کنونی نجات دهد. هم اکنون یهودیان مترقی در اسرائیل بر ضد این جنگ تجاوزکارانه بپا خاسته اند و همدردی خویش را با مردم لبنان و فلسطین اعلام می کنند. صهیونیسم اسرائیل سرمنشاء تعفن و جنگ و خونریزی و یهودی ستیزی در منطقه است. این صهیونیسم خطرناک افکار عمومی مردم جهان را با اعمال ضد بشری خویش بر ضد یهودیان تحریک می کند. باید با برچیدن بساط صهیونیستها به یهودی ستیزی برای همیشه پایان داد.

ولی این تجاوز صهیونیستها به کشور مستقل لبنان اقدامی جداگانه و از روی احساسات و یا کار یک دیوانه صهیونیست نیست، بلکه بخشی جدا ناپذیر از استراتژی امپریالیستی برای تسلط به خاورمیانه است. بخشی از استراتژی امپریالیسم آمریکاست تا «خاور میانه بزرگ دموکراتیک» ایجاد کند. تدارک چنین تجاوزی از مدتها قبل آگاهانه در برنامه اسرائیل با توافق امپریالیست آمریکا قرار داشته است. دسیسه ترور رفیق حریری در لبنان، یورش تبلیغاتی علیه سوریه نتوانست در گذشته سیاست امپریالیست آمریکا را در منطقه با موفقیت روبرو کند. زیرا حزب الله لبنان که نماینده اکثریت مردم لبنان است و مسلحانه از منافع مردم لبنان علیه تجاوز امپریالیستی و صهیونیستی دفاع می کند با بسیج میلیونی این توطئه کثیف را خنثی کرد. امروز محبوبیت حزب الله لبنان که پرچم دفاع از استقلال و تمامیت ارضی لبنان را به کف گرفته است بقدری افزایش یافته است که بسیاری مسیحیان لبنان به صراحت می گویند که «امروز همه ما حزب الله» هستیم. امپریالیستها و صهیونیستها موفق نشدند مسیحیان، سنی ها و حکومت مرکزی لبنان را علیه حزب الله لبنان بسیج کنند، بلکه برعکس مردم لبنان را با وحشیگری خویش یک تته به زیر پرچم حزب الله لبنان فرستادند.

صهیونیستها برای توجیه آدمکشی و جنگ طلبی خویش به ربودن سربازان اسرائیلی اشاره می کنند. استدلالی مسخره تر از این وجود ندارد. سرزمین فلسطین، لبنان، سوریه، اردن، تا حدودی مصر در تحت اشغال صهیونیستهای اسرائیل قرار دارد. آنها هر وقت اراده کنند به داخل باقیمانده خاک فلسطین لشکر کشیده و رهبران و فعالین آنها را می ربایند. آنها همین چند وقت پیش اعضای دولت قانونی و منتخب مردم فلسطین را که به اعتراف جهانی به صورت دموکراتیک به قدرت رسیده بودند و تنها دولت دموکراتیک منطقه هستند، دزدیدند و به زندانهای اسرائیل منتقل کردند. صهیونیستها و امپریالیستها ثابت کردند که اسلحه تبلیغات «دموکراتیک» در دست آنها تا به چه حد موذیان و فاقد ارزش است. آنها در عین حال در عمل ثابت کردند که مقوله «دموکراسی» دارای ماهیت طبقاتی و صرفا سیاسی است و تفسیر آنرا باید بر همین اساس معده گرفته. زندانهای اسرائیل مملو از ده هزار فلسطینی روده شده است. صهیونیستها همه خلق فلسطین، لبنان و منطقه را به گروگان گرفته اند. آنها گانگستر منطقه هستند. آنوقت یک چنین دولت صهیونیستی و فاشیستی مدعی است که فلسطینی ها یک سرباز اسرائیلی را ربوده اند و به این جهت مسبب جنگ اند و لذا آسمان به زمین آمده است و حال آنها برای یک دستمال قیصریه را به آتش می کشند. صرفنظر از این امر، مگر این واقعیت را می شود منکر شد که سرزمین فلسطین توسط ارتش اسرائیل اشغال شده و لذا هر فلسطینی شرافتمند از این حق مشروع برخوردار است تا از

غرور و شرافت خویش به دفاع برخاسته و هر سرباز متجاوز صهیونیستی را که بدستش می رسد با عشق به انسانیت و برای استقرار یک دنیای بهتر معدوم کند. از کی تا بحال قرار است که ستمگران کشتار کنند، آمریائی نمایند، اشغال کنند و مردم را به گروگان بگیرند و ستمکشان دست روی دست بگذارند و هیچ عملی نکرده و مقاومتی ننمایند و شاهد سرکوب خویش باشند؟! مگر در جنگ حلوا خیر می کنند؟! مگر جنگی هم وجود دارد که در آن تنها یک طرف حق تیر داشته باشد؟! ربودن سربازان اسرائیلی و نابودی همه ارتش اسرائیل متجاوز حق مشروع مردم فلسطین است. این قانون جنگ است. سربازان متخاصم در همه جنگها به روی هم شلیک می کنند. رهبران ابلهی را تصور کنید که لشکر دشمن را از این جهت مورد انتقاد قرار دهند که چرا آنها در پاسخ گلوله آنها به شلیک متقابل متوسل می شوند. طبیعی است که این آسمان و ریسمان بافی برای منحرف کردن از سیاست واقعی صهیونیستها و امپریالیستها در منطقه و نیت شوم آنها در لبنان و فلسطین است.

در مورد لبنان نیز وضع به همین شکل است. صهیونیستهای "دموکرات" و جنایتکاران ضد بشر به یک کشور مستقل حمله کرده و آنرا "قلع و قمع حزب الله" و "اجرای قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل"!! جلوه می دهند. مثنی ابله سیاسی نیز پیدا شده اند که این تبلیغات صهیونیستها را تکرار می کنند. آنها چنین تبلیغ می کنند که گویا "حزب الله" یک گروه تروریستی ده نفره است، همدست جمهوری اسلامی و سوریه است و باین علت مستوجب مرگ است.

حزب الله لبنان نماینده نهضت مقاومت ملی صرفنظر از اینکه کسی از رهبری آن مسرور باشد و یا نباشد بزرگترین قدرت سیاسی و نظامی در کشور مستقل لبنان و نماینده مردم لبنان است، وی پرچمدار مبارزه ملی مردم لبنان است. آنها نه تنها در شرایط حاضر مردم شیعه لبنان را که بیش از نصف جمعیت لبنان هستند نمایندگی می کنند، بلکه نماینده واقعی همه مردم لبنان هستند. آنها در حکومت لبنان شرکت فعال دارند. آنها ضامن استقلال لبنان در قبال تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم بوده و می باشند. حتی به اعتراف منابع امپریالیستی ۹۰ در صد مردم لبنان اعم از مارونی، دروزی، شیعه و سنی و ... از نهضت مقاومت مردم لبنان در قبال تجاوز اسرائیل حمایت می کنند. اگر حزب الله لبنان اراده کند در یک لحظه صدها هزار مردم مسلح به خیابانها ریخته و حمایت خویش را از آنها اعلام می دارند. حزب الله لبنان در عین حال و در شرایط کنونی عامل مهم بازدارنده تجاوز گستاخانه امپریالیسم و صهیونیسم به سوریه و کشور ما ایران است. چنین جریان بزرگ اجتماعی را هم صدا با صهیونیستها و امپریالیستها یک "گروه تروریستی" جلوه دادن تنها ناشی از بی خبری نیست ناشی از کلاهبرداری و جنایتکاری و همدستی با صهیونیسم و امپریالیسم است. ناشی از این است که عده ای قصد دارند بدون توجه به سطح رشد ملتها و مبارزات آنها ملتهای مسلمان را از داشتن رهبران مذهبی سیاسی که نوکر امپریالیسم و صهیونیسم نباشند محروم کنند تا موانع راه استقرار سرمایه جهانی را برچینند و تسلط بدون منازع دشمنان بشریت را بر منطقه استراتژیک خاورمیانه و نزدیک مستقر سازند. مبارزه مردم لبنان به رهبری حزب الله لبنان و مبارزه مردم فلسطین به رهبری سازمان منتخب حماس صدها بار مترقی تر و شرافتمندانه تر از خرابکاری مثنی دغلکار ضد کمونیست به نام "حزب کمونیست کارگری" است که برای همدستی با اسرائیل به میدان آمده اند. این عده همان کسانی هستند که هم در ایران و هم در عراق و هم در افغانستان به خرابکاری در جنبش مقاومت مردم این ممالک مشغولند و در اروپا با اخلال در جنبش صلح آب به آسیاب امپریالیستها و صهیونیستها ریخته و هوادار تجاوز امپریالیست آمریکا به ایران هستند. آنها مبارزه مردم جهان علیه جهانی شدن سرمایه و حمایت از تمامیت ارضی و استقلال ملی را با زبان جرج بوش و آریل شارون "تروریسم" می خوانند. آنها با حمایت از نظریه های رهبر گمراهی بنام منصور حکمت که عمرش را به ایهود اولمرت داده است مدعی هستند که منظره سیاسی عمومی جهان مبین مبارزه "اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا" است. آنها مبارزه ملتهای جهان را علیه امپریالیسم و صهیونیسم، مبارزه طبقه کارگر را بر ضد سرمایه داری و در نتیجه انقلابات ملی و سوسیالیستی را نفی می کنند. مانند تروتسکیستهای خائن به پرگوئی و بیعملی سیاسی مشغولند و برای روشنفکران بیکاره مشغله فکری ایجاد می کنند.

مبارزه مردم فلسطین و لبنان حتی اگر رهبری آنها در دست نیروهای مذهبی باشد مبارزه ای برای استقلال ملی است و باید از آن حمایت کرد. فقط عمال استعمار در ایران و جهان برای فریب کاری، این تبلیغات گوشخراش را براه می اندازند که باید علیه "اسلام سیاسی" مسلح شد و به حمایت از ارتش اسرائیل و امپریالیستهای خون آشام برخاست. از چه موقع تا بحال قرار بوده است که کشتار مردم را به این بهانه که آنها مسلمان هستند و حتی تمایلات شدید مذهبی دارند مورد حمایت قرار داد؟ مگر ممالک مسلمان حق زندگی ندارند؟ مگر مسلمانان "داخل آدم" نیستند؟ مگر می شود اعراب سعودی و یا مردم پاکستان و افغانستان را قتل عام کرد به "جرم" اینکه مسلمان و حتی مسلمان بنیادگرا هستند و یا با کاریکاتور توهین آمیز فاشیستهای دانمارک نسبت به پیامبر مورد احترامشان مخالفند؟ مگر مسلمان کشی همان یهودی کشی نیست؟ این غریزه حیوانی و فاشیستی و ضد بشری از کدام ایدئولوژی ناشی می شود؟ فرق حکمتیسم با صهیونیسم چیست؟

تجاوز به لبنان مورد پشتیبانی همه امپریالیستها و مرتجعین جهان است. همه این ممالکی که تعهدات جهانی را امضاء کرده اند در قبال تجاوز صهیونیستها سکوت اختیار کرده و تبلیغ می کنند که گویا هدف این تجاوز "قلع و قمع" حزب الله لبنان است. آنها نام کشور مستقل لبنان را برای فریب افکار عمومی بر زبان نمی آورند.

امپریالیست آمریکا صریحا اعلام می کند که قبل از اقدام به اعمال بازدارنده باید دست صهیونیستها را چند هفته ای آزاد گذاشت تا به اهدافشان برسند و پس از اینکه آنها به اهدافشان رسیدند آنوقت می شود به گفتار صد تا یک غاز متوسل شد.

اروپای متحد در کنار ممالک مرتجع عرب سکوت اختیار کرده اند. سران اعراب مرتجع که از افزایش نفوذ شیعیان می ترسند ترجیح می دهند در مورد کشتار قومی مردم لبنان سکوت کنند. هیچکس به این اقدام غیر قانونی اسرائیل اعتراضی نمی کند. اسرائیل مانند همیشه همه قوانین بین المللی را به زیر پا می گذارد و برای آنها پیشیزی ارزش قابل نیست. سرزمینهای دیگران را اشغال کرده است. رسانه های گروهی امپریالیستی و صهیونیستی که یک پوشش سانسور جهانی دارند و ماشین شستشوی مغزی هستند و عنوان “دموکراتیک” را بیدک می کشند یا سکوت کرده اند و یا به جعل اخبار مشغولند. وجدانهای مردم اروپا معذب نمی شود و صدای اعتراضی به گوش نمی رسد. تنها کمونیستها هستند که مردم را در ممالک خویش بر ضد این تجاوز وحشیانه بسیج می کنند و این سیاست صحیح را در قبال خرابکاری مثنی ایرانیان خود فریب همدست صهیونیسم و امپریالیسم با موفقیت به پیش می برند. امپریالیستها و صهیونیستها همه توان خویش را برای قتل عام مردم لبنان فراهم آورده و می خواهند بیروت را با بمباران خویش به عصر حجر ببرند. همه این عملیات وحشیانه و بربرمنشانه را نمی شود بخاطر ربودن دو سه تا سرباز اسرائیلی که در جنگ شرکت داشته اند توجیه کرد. این نوع استدلال توهین به درجه دانائی مردم جهان است.

هدف از این تجاوز به نظر ما تدارک فشار و در صورت پیدایش همه شرایط، تجاوز به ایران است. امپریالیستها می خواهند پشت جبهه خویش را برای فشار نظامی به ایران محکم کنند. نخست فلسطین، بعد از آن لبنان و سپس سوریه و آنگاه که اهرمهای فشار سیاسی ایران را از کار انداختند به سراغ ایران خواهند آمد. آنها هرگز قصد ندارند داوطلبانه خاک لبنان را ترک کنند.

ولیکن همه این تلاشهای بیهوده حساب همان روغن فروش طمع کاری است که با کوزه روغنش می کرد. صهیونیستها سالهاست که فلسطین را اشغال کرده و به لبنان لشکر کشیده و آدمکشی کرده اند ولی ذره ای نیز از مقاومت مردم منطقه علیه امپریالیسم و صهیونیسم کم نشده است. این تجارب تاریخی نشان می دهد که صهیونیستها مجددا ناچارند با خفت خاک لبنان راترک کنند. تا تجاوز و فشار هست، مقاومت هست و این دیالکتیک تاریخ است.

تجاوز اخیر صهیونیستها و امپریالیستها باید به ما بیاموزد که دموکراسی و آزادیخواهی و بشر دوستی آنها کاذب و برای فریب و اسارت سایر ملتهاست. آنها به هیچ تعهدی که حتی آنرا سیاه روی سفید امضاء کرده اند متعهد نیستند. آنها از کشتار صدها هزار انسان ایائی ندارند. آنها به جعل اخبار و دروغیراکنی مشغولند و موفق شده اند ماشین و نظام عظیمی در جهان برای فریب افکار عمومی اختراع کنند و شستشوی مغزی دهند.

این تجربه ثابت می کند که دوستداران اسرائیل “دموکرات” و آمریکای متمدن، دشمنان مردم ایران و جهان هستند. این تجربه نشان می دهد که سیاست مثنی ابله سیاسی که آلت دست صهیونیستها و امپریالیستها هستند و سوراخ دعا را گم کرده اند خرابکاری در مبارزه مردم لبنان علیه امپریالیسم و صهیونیسم است. این “چپ اندر قیچی های” آشفته فکر و بیهوده گوهای بیعمل، خواهان آنند که مردم لبنان به نفع اسرائیل نابود شوند، زیرا رهبری این مردم در دست حزب الله لبنان قرار دارد. آنها تجاوز وحشیانه اسرائیل صهیونیستی را همتراز مبارزه مردم لبنان بر رهبری حزب الله که از موجودیت کشورشان دفاع می کنند قرار می دهند و در تحلیل نهائی با تجاوز اسرائیل شرمسارانه موافقت. تئوری های این خیانت را منصور حکمت تدوین کرده است و بخورد آنها داده است.

وظیفه مردم جهان افشاء امپریالیستها و صهیونیستهاست و وظیفه مردم منطقه مبارزه قهرآمیز برای قتل عام تجاوزگران صهیونیست و امپریالیست است.

زنده باد مبارزه قهرمانانه ملت های فلسطین و لبنان بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم.

**ما خواهان خروج فوری و بی قید و شرط صهیونیستها از لبنان هستیم
ما معتقدیم که جامعه ملل باید این اقدام ضد انسانی را محکوم کرده و
صهیونیستهای اسرائیل را مجبور کند خسارت وارده به مردم لبنان را بپردازند.
ما معتقدیم که باید اسرائیل صهیونیست را محاصره اقتصادی کرد و وادارش
نمود که به تعهدات بین المللی خویش پایبند باشد و سرزمینهای اشغالی
فلسطین را ترک کند.
مرگ بر امپریالیسم و صهیونیسم.**

خروج بی قید و شرط اسرائیل از لبنان و پرداخت خسارت به مردم لبنان

جنایت امپریالیست آمریکا ورژیم صهیونیست اسرائیل در لبنان و فلسطین جنایت علیه بشریت است

کنون نزدیک به دو هفته است که رژیم نژاد پرست و صهیونیست اسرائیل با حمایت بی شائبه از طرف آمریکا و با بی اعتنائی کامل نسبت به واکنش و اعتراضات عمومی جهان و تمامی موازین برسمیت شناخته بین المللی به بمباران و قصابی مردم لبنان و فلسطین مشغول است. این جنایکاران تروریست و "متمدن" به یک جنگ تمام عیار علیه مردم بی دفاع فلسطین و لبنان دست زده و با بمباران شهرها و مردم غیرنظامی سبعیت صهیونیسم را نشان میدهند. طبق گزارشات رسمی مطبوعات و رسانه های غربی بیش از پانصد نفر در لبنان تا کنون جان باخته، نزدیک به دوهزار نفر مجروح و قریب به هفتصد هزار نفر از خانه و کاشانه خود تاراند شده اند. این وضعیت غیر انسانی و خشونت وحشیانه علیه مردم همچنان ادامه دارد و خشم و نفرت عموم مردم جهان را برانگیخته است. اکنون بر همگان روشن است که تهاجم نظامی اسرائیل به لبنان و فلسطین و خطر گسترش این آدم کشی در منطقه نمی تواند در محدوده ریودن سه سرباز اسرائیلی در نوار غزه و جنوب لبنان مورد تحلیل قرار گیرد. آمریکا مدتهاست که در باتلاق جنگ عراق و افغانستان گیر کرده و عملاً شکست خورده است. اکنون هیچ چشم انداز روشنی برای امپریالیست آمریکا و متحدین جنایتکارش برای خروج از بحران در عراق و افغانستان نیست و لذا باید افکار عمومی جهان را از عراق و افغانستان به لبنان و فلسطین کشاند تا شاید فرجی شود. از سوئی آمریکا و اسرائیل طرح تجاوز نظامی به ایران را در سر می پروراند و با انگشت اتهام بسوی ایران و سوریه در لبنان و فلسطین زمینه را برای ماجراجویی های خطرناکی آماده میکنند. بعد از اشغال نظامی کامل لبنان و خلع سلاح جنبش حزب الله احتمالاً نوبت ایران و سوریه فرا خواهد رسید. اینها از گفتار دیپلماتیک و دوپهلوی رایس و بوش در مصاحبه های مطبوعاتی است و بسیاری از خبرنگاران کارکشته نیز بدان پرداخته اند. آمریکا با این هدف استراتژیک و چنگ اندازی بر چاه نفت ایران و اعمال سرکردگی بر سایر رقبای، به سرپل اسرائیل در منطقه هنوز نیاز دارد و از طریق این غده سرطانی می تواند به ایجاد نفاق و تشتت در منطقه و دست اندازی به قفقاز، شمال آفریقا، و سراسر خاورمیانه پرداخته و پایگاه مطمئنی برای سرکوب جنبشهای استقلال طلبانه و انقلابی و کمونیستی باشد.

صهیونیستها می خواهند فلسطینی ها را وادار کنند که بعنوان زندانی و اسیر درشکم اسرائیل تن در دهند. مردم قهرمان فلسطین به زیر بار این زورگوئی ها نمی روند و بی باکانه میرزمند و حمایت بیدریغ مردم جهان را بدنیاال دارند. امروز روشن است که سیاست بنیاد گرایان صهیونیست به بهانه "حق حیات" و "امنیت" برای قتل عام مردم فلسطین و لبنان و شکست روحیه مبارزاتی آنها با شکست مفتضاحانه ای روبرو خواهد شد و جز این نیز نخواهد بود. امروز دیگر نمی شود به بهانه جنایات نازیها به تکرار همان جنایات نازیها علیه مردم فلسطین و لبنان مرتکب شد و آن را توجیه نمود. تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل و منافع انحصارات امپریالیستی مسبب تمامی نابسامانیهای مردم در لبنان، فلسطین، عراق و افغانستان..... و منطقه و جهان است. باید مقابل فاشیسم، امپریالیسم و صهیونیسم ایستاد. حزب کار ایران (توفان) خواهان قطع فوری قتل عام مردم فلسطین و لبنان توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی اسرائیل است. حزب ما خواهان خروج بی قید و شرط سرزمینهای اشغالی و پرداخت خسارت به مردم منطقه از جانب اسرائیل است. حزب ما صهیونیسم را همدست امپریالیسم دانسته و آن را نژاد پرستی صرف میدانند. حزب ما توطئه و تجاوز به لبنان، سوریه، ایران و هر کشوری در منطقه توسط اسرائیل و آمریکا را محکوم میکند و خواهان آن است که به این افسارگسیختگی صهیونیسم و امپریالیسم لگام زده شود. حزب ما از مبارزات مشروع و عادلانه مردم فلسطین و لبنان برای آزادی و استقلال ملی حمایت میکند. حزب ما امنیت مردم منطقه را از راه کشتار جمعی و حذف فیزیکی محکوم میکند و خواهان امنیتی است که حقوق همه مردم منطقه را عادلانه برسمیت بشناسد. تا این حقوق متحقق نشود شعله مبارزه مردم فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان خاموش نمی شود و سراسر منطقه را دربرمیگیرد. بررقای حزبی در خارج از کشور است که با شرکت فعال و سازماندهی در تظاهرات های ضد امپریالیستی، ضد اشغال و تجاوز به فلسطین و لبنان و با برجسته کردن اهداف شوم امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه از مبارزات مشروع، دفاعی و عادلانه مردم لبنان و فلسطین حمایت نمایند.

دست رژیم صهیونیست اسرائیل و امپریالیست آمریکا از جان و مال مردم بی دفاع فلسطین و لبنان کوتاه باد!

The US and Israeli Crimes Are Crimes against Humanity!

The Crimes Committed by the US imperialists and Israeli Zionists against the People of Lebanon and Palestine Are Crimes against Humanity!

It is nearly two weeks that the racist and Zionist regime of Israel is bombarding and slaughtering the people of Lebanon and Palestine. In this war against humanity, the Israeli regime has unconditional support of the US imperialists, has no respect for internationally recognized norms, and has closed its ears on world's public protests. The "civilized" and terrorist Israeli Zionists have waged a full-fledged war against defenseless civilians of Lebanon and Palestine and are exposing their barbarity by bombardment of the cities. According to the reports, more than 500 Lebanese have lost their lives, more than 2000 are injured, and more than 700,000 are displaced. The barbaric violence against the Lebanese and Palestinians still goes on and the inhuman conditions are deepening.

The barbaric Israeli and the US aggression against Lebanon and Palestine is responded by the anger and disgust of the people of the world. It is now clear that this military operation is a planned war of aggression and, contrary to the US and Israeli claims, has nothing to do with the capture of 3 Israeli soldiers in Lebanon and Gaza Strip. It is now for a while that the US is stuck in a quagmire in Iraq and Afghanistan and there is no clear way for the US and its allies to get out of their crisis. The US authorities are trying to divert the public attentions away from Iraq and Afghanistan and to Lebanon and Palestine with the hope that some window is opened to them. Furthermore, it is a while that the US and Israel have been considering the military invasion of Iran. By accusing Iran of having hands in the events in Lebanon and Palestine, the US and Israel are now preparing the ground for more dangerous adventures. After the occupation of Lebanon and disarming of Hezbollah's movement, it will be Iran and Syria's turns. The diplomatic statements made by the Bush administration indicate that they have planned aggression against Iran and Syria.

In order to implement their strategic goal of grabbing the energy resources of the Middle East and to impose supremacy over the rivals, the US imperialists need Israel for creating enmity and dispersion in the region, for facilitating the US domination of Caucasus and north Africa and the Middle East, and for having a reliable base for the suppression of the revolutionary, communist, and liberation movements.

The Israeli Zionists have attempted to imprison and enslave the entire Palestinian nation, but the people of Palestine have fought heroically against the Israeli oppression. It is clear today that the Zionist policy of uprooting Palestinians and of occupying Lebanon, under the pretext of "security" and "right to live", has faced a disgraceful defeat. One cannot use the pretext of "Nazi crimes" to commit "Nazi crimes" against the Palestinians and Lebanese. The state terrorism of the US and Israel and the interests of the imperialist monopolies are the sources of the deplorable conditions in Iraq, Afghanistan, Lebanon, Palestine, the Middle East region, and in the world. One must stand up to fascism, imperialism, and Zionism.

The Party of Labour of Iran (Toufan) demands an immediate halt to the Israeli destruction of Lebanon and Palestine. Our Party demands that the Israeli occupying forces to be withdrawn from all occupied territories immediately and unconditionally and that Israel pay reparation to the people of the Region. We believe that Zionism is racism and expansionism. We condemn the Zionist-imperialist aggressions against Lebanon, Syria, Iran, or any other country in the region and demand an end to all hostilities against the people of the Region. Our Party supports the legitimate and just struggles of the people of Palestine and Lebanon for their freedom and national independence. We condemn the massacre and physical elimination of the people of the region under the pretext of "security" for Israel. The Party of Labour of Iran (Toufan) is for the security that recognizes the rights of all people of the region. The flames of the struggles of the people of Iraq, Afghanistan, Lebanon, and Palestine keep burning until their rights are recognized and are achieved.

It is the task of the Party Comrades to defend the legitimate and just struggles of the people of Lebanon and Palestine, to mobilize the freedom loving people of the world for anti-imperialist and anti-occupation demonstrations, and to expose the sinister goals of imperialist and Zionist gangs in the Middle East.

The US imperialists and Israeli Zionists hands off the people of the Middle East!

July 26, 2006

Toufan elektronik no.1 august 2006 www.toufan.org toufan@toufan.org Fax 0049-69-96580346
